

«رشد تولید کارگر»

این شماره از روزنه با احترام تقدیم می‌گردد
به پدران، پسران و زنان شریف کارگر ایران زمین.

سال هفدهم

شماره ۳۷

بهار ۱۴۰۲



گاهنامه فرهنگی اجتماعی انجمن
اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

مدیر مسئول: مهدیه اسداللهی

سردبیر: فاطمه خلیلی یگانه


نویسندگان: فاطمه خلیلی یگانه، رقیه خادم‌نیا، نرگس علینقیان، نرگس خطیب دماوندی و وحید نجفی زمان


صفحه آرا و طراح جلد: زهرا جعفری

ویراستار: فاطمه خلیلی یگانه



انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

 [anjoman_eslami_alzahra](https://www.instagram.com/anjoman_eslami_alzahra)

 [anjomanalzahra](https://www.telegram.com/anjomanalzahra)

نشانی: تهران، میدان ونک، دانشگاه الزهراء(س)

الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
((کسی که خود را برای روزی خانواده اش
به زحمت می اندازد و کار می کند مانند
رزمنده ایست که در راه خدا می جنگد.))

امام جعفر صادق علیه السلام



سخن سردبیر

زنده باد کارگر!

فاطمه خلیلی یگانه
کارشناسی تاریخ

مداقه در مطالعات حوزه‌ی اجتماعی، اقتصادی، دیدگاه اسلام و همچنین توجه به بیانات رهبری، صریحا جایگاه کارگر را در جامعه مشخص می‌کند. چرخه‌ی که جامعه را به حرکت درمی‌آورد، کارگر است. قشر سختکوش کارگر نباشد، کار تولید لنگ می‌ماند، تولید ملی لنگ بزند، خودکفایی چه می‌شود و کار استقلال وطنی که روزی کارگرها در کنار دیگر اقشار جامعه، شهید دادند برای حفظ کردن آن، به کجا کشیده می‌شود؟ در طول تاریخ، معاصرتر، در همان روزهای جنگ هشت ساله‌ی دفاع مقدس، کارگرانی بودند که اگر جان فدا نکردند، از جان برای فعالیت‌های جهادی و تولیدی کشور مایه گذاشتند. علی‌رغم تاکیدات مقام معظم رهبری بر جایگاه شریف کارگر، همواره در هر دولتی که آمد و رفت، ناحقی‌ها و کم‌لطفی‌هایی شامل حال آن‌ها شد که جامعه‌ی کارگری و خانواده‌ی آن‌ها را بیشتر در معرض فشار حاصل از تورم و مشکلات اقتصادی قرار داد. نگاه غلطِ ابزاری به کارگران باید تصحیح شود! در باب نقد بر عملکرد دولت سیزدهم، بیمه تامین اجتماعی و خانه‌ی کارگری که از اسم آن توقع می‌رود بیشتر



به فکر ارباب رجوع خود باشد، در یادداشت‌های این سری از مجله‌ی روزنه، توجه شده است. یازدهم اردیبهشت ماه، روز کارگر است. روزی که آن طرف سکه‌ی روز پدری است که سال‌هایی بس از عمر خود را برای کسب روزی حلال جهت رضایت پروردگار، فراهم آوردن حداقل آسایش برای خانواده خود سپری کرد. دستان آن‌ها پینه بست تا جریان انقلاب از روند روبه رشد خود و نماند. کارهای سخت و پرمشقت، آن‌ها را به بیماری‌های متعدد دچار ساخت و لقمه‌ای که مادر به دهان فرزندان گذاشت، حلال شد! جامعه‌ی ایران، مملو از پدران و پسران باغیرتی است که در میان کم توجهی و کم‌لطفی‌های برخی مسئولین که بعضی کارفرماها را به حق خوری از کارگران حرمتدار خود، جرعت داده، همواره از سختکوشی و اعتقاد خود دست نکشیده‌اند. مسئولین مربوطه که گاهی زورآزمایی خود را بر قشر زنان و مردان کارگر وارد می‌کنید، به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار امسال با کارگران، گوش فرا دهید و امر رهبر دلسوزمان را، همانطور که موظف هستید، با جدیت اطاعت کنید.



فهرست

- ۵..... سخن سردبیر
- ۶..... روزمنده و ژمنده است
- ۸..... پدر، افتخار منی!
- ۱۰..... ارادت حقیقی را در میدان عمل بیاب!
- ۱۲..... ارزش حیات جامعه
- ۱۶..... شهید کارگر

رزمنده، رزمنده است،

گشایش به دست کارگران جامعه است!

بررسی وضعیت حقوق کارگران در دولت سیزدهم

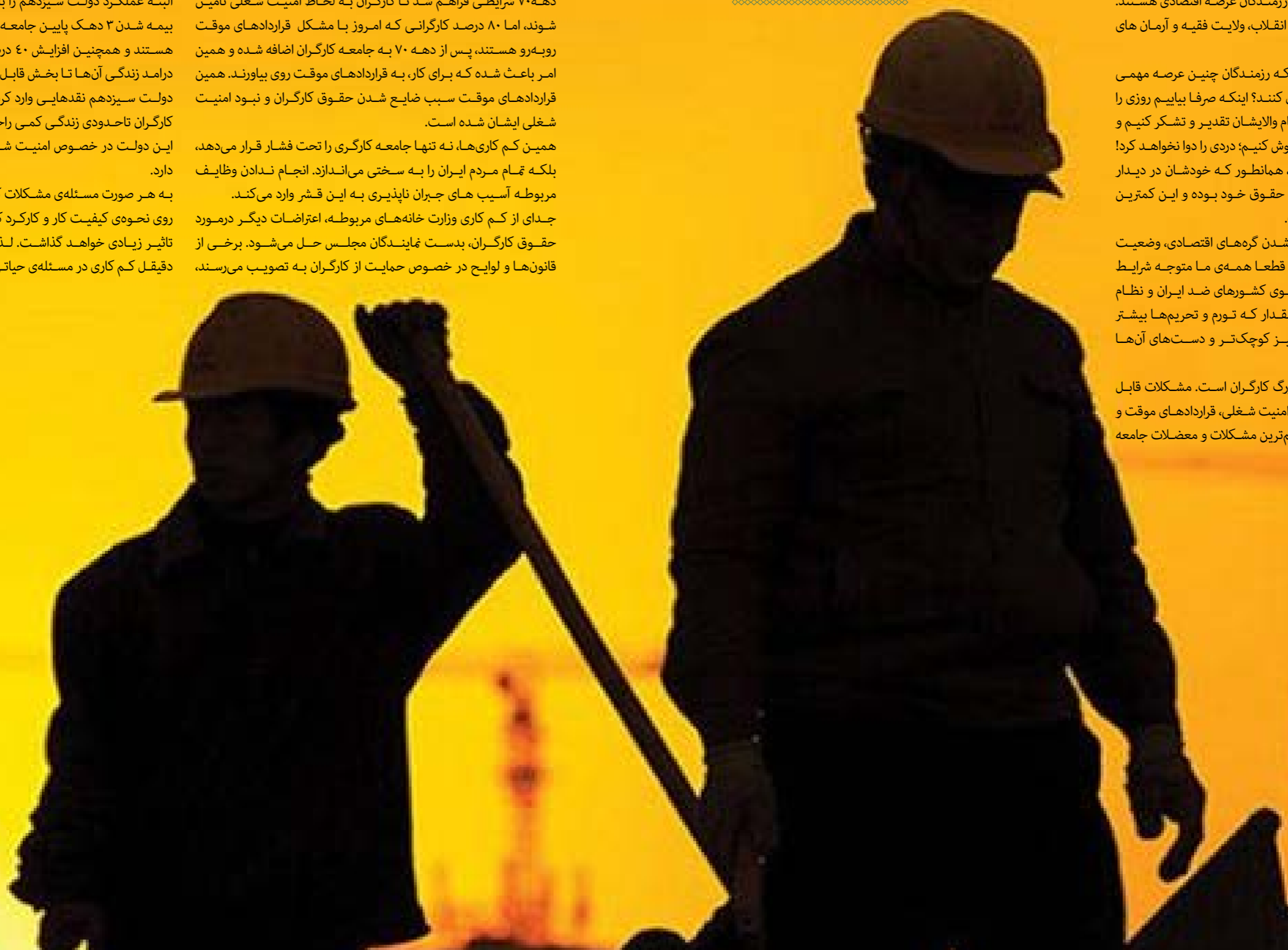
رزمندگان دیروز دفاع مقدس، امروز رزمندگان عرصه اقتصادی هستند. مردمانی نجیب که همیشه پای کار انقلاب، ولایت فقیه و آرمان‌های امام(ره) بودند و خواهند بود.

سوال اینجا است، آیا این روا است که رزمندگان چنین عرصه مهمی در کشور مشکلات متعددی را تحمل کنند؟ اینکه صرفاً بیایم روزی را به‌عنوان روز کارگر اعلام کنیم، از مقام‌والایشان تقدیر و تشکر کنیم و مشکلات این قشر زحمتکش را فراموش کنیم؛ دردی را دوا نخواهد کرد! مهم‌ترین خواسته‌ی جامعه کارگران، همانطور که خودشان در دیدار اخیر با رهبری بیان کردند، دریافت حقوق خود بوده و این کمترین توقع چنین قشر مهم جامعه است.

توقع این قشر آن است که با باز شدن گره‌های اقتصادی، وضعیت این بخش جامعه نیز بهبود یابد. قطعاً همه‌ی ما متوجه شرایط بد اقتصادی، تحریم‌های ثقیل از سوی کشورهای ضد ایران و نظام جمهوری اسلامی هستیم، اما هر مقدار که تورم و تحریم‌ها بیشتر می‌شود، سفره‌ی جامعه کارگری نیز کوچک‌تر و دست‌های آن‌ها خالی‌تر می‌شود.

بحث معیشت یکی از مشکلات بزرگ کارگران است. مشکلات قابل توجه دیگر این قشر از جامعه، نبود امنیت شغلی، قراردادهای موقت و سفیدامضا و درمان کارگران که از مهم‌ترین مشکلات و معضلات جامعه کارگران هستند.

نرگس خطیب دماوندی
کارشناسی زیست‌شناسی



مشکلاتی که ناشی از کم‌کاری برخی از مسئولین در وزارت‌های صنعت، معدن، تجارت، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، تامین اجتماعی و... است.

یکی از بحث‌های قابل توجه، در خصوص قراردادهای موقت است. در دهه ۷۰ شرایطی فراهم شد تا کارگران به لحاظ امنیت شغلی تامین شوند، اما ۸۰ درصد کارگرانی که امروز با مشکل قراردادهای موقت روبه‌رو هستند، پس از دهه ۷۰ به جامعه کارگران اضافه شده و همین امر باعث شده که برای کار، به قراردادهای موقت روی بیاورند. همین قراردادهای موقت سبب ضایع شدن حقوق کارگران و نبود امنیت شغلی ایشان شده است.

همین کم‌کاری‌ها، نه تنها جامعه کارگری را تحت فشار قرار می‌دهد، بلکه تمام مردم ایران را به سختی می‌اندازد. انجام ندادن وظایف مربوطه آسیب‌های جبران‌ناپذیری به این قشر وارد می‌کند.

جدای از کم‌کاری وزارت‌خانه‌های مربوطه، اعتراضات دیگر درمورد حقوق کارگران، بدست نمایندگان مجلس حل می‌شود. برخی از قانون‌ها و لوایح در خصوص حمایت از کارگران به تصویب می‌رسند،

اما بزرگ‌ترین مشکل آن است که این موارد کارآمدی کافی را دارا نبوده و همین باعث به زحمت افتادن جامعه کارگران خواهد شد. از سوی دیگر، مجلس باید نظارت کافی را درخصوص عملی شدن این قوانین انجام دهد تا حداقل این قانون‌های نسبی به درستی اجرایی شوند. البته عملکرد دولت سیزدهم را باید با عینکی منصفانه بررسی کرد. بیمه شدن ۳ دهک پایین جامعه که معمولاً کارگران هم بخشی از آنها هستند و همچنین افزایش ۴۰ درصدی حقوق کارگران، باعث تثبیت درآمد زندگی آن‌ها تا بخش قابل توجهی شد. هرچند که به عملکرد دولت سیزدهم نقدهایی وارد کردند اما به هر نحو، موجب شد کارگران ناحدودی زندگی کمی راحت‌تری داشته باشند. البته عملکرد این دولت در خصوص امنیت شغلی و بیمه کارگران، حتماً جای کار دارد.

به هر صورت مسئله‌ی مشکلات کارگران، دارای اهمیت فراوانی بوده و روی نحوه‌ی کیفیت کار و کارکرد کارگران، همچنین ریل پیشرفت کشور، تاثیر زیادی خواهد گذاشت. لذا کم‌کاری در خصوص این مشکل، دقیقاً کم‌کاری در مسئله‌ی حیاتی اقتصاد است.

پدر، افتخار منی!

دلنوشته‌ای در خصوص روز کارگر

روز کارگر؛ من این روز را، از کودکی به یاد دارم. چراکه تقریباً این تنها روزی در سال بود که پدرم ساعت دو از سر کار تعطیل می‌شد و خانه می‌آمد. هیچ وقت زمان کودکی رو فراموش نمی‌کنم، هم من و هم خواهر و برادرم از پدرم خجالت می‌کشیدیم و با لو رودر بایستی داشتیم. الآن که بیشتر دقت می‌کنم، مهم‌ترین دلیل آن خجالت، شاید ندیدن زیاد پدرمان بود. پدر ما، مجبور بود هر روز ساعت ۶ صبح، دقیقاً زمانی که ما خواب بودیم از خونه بیرون برود و تا ساعت ۱۰ شب تو شرکت بماند و کار کند. وقتی به خانه می‌رسید ساعت یک ربع به یازده بود و ارتباط ما با پدرمان به یک سلام و خسته نباشید ختم می‌شد و اگر خسته نبود، با هم پنج نفری یک چایی می‌خوردیم و می‌خوابیدیم، به همین دلیل شاید اصلاً پدرم فرصت این را نداشت تا با بچه‌های خود ارتباط بگیرد. البته اگر بی‌انصافی نکنم چهار سال آخری که پدرم در شرکت کار می‌کرد، به دلیل قانونی که در شرکت وضع کرده بودند، پدرم ساعت یک ربع به هشت با دو عدد روزنامه به خانه

می‌آمد (شرکتی که پدرم آنجا کار می‌کرد چاپخانه #افست هست که روزنامه‌های روز رو چاپ می‌کردند) و یک ماه در میان هم شیفت شب می‌ماند و در آن صورت ما پدرمان را در طول روز در خانه می‌دیدیم، هر چند در خواب!

این را هم یاد دارم که در دوره‌ای حدود سال ۸۸ وقتی که تازه توانستیم خانه جدید بخریم، پدرم بعد از این که از سر کار می‌آمد، می‌رفت مسافركشی می‌کرد تا بتواند خرج زندگی خانواده پنج نفره را در بیاورد.

هم آن موقع و هم، همین الآن به وجود همچین پدر زحمتکشی افتخار می‌کردم و می‌کنم و یادم دارم که همیشه به دوستانم پُز می‌دادم که اگر پدر من نبود، نمی‌توانستید درس بخوانید، چون پدر من جایی کار می‌کرد که کتاب‌های درسی ابتدایی را چاپ می‌کردند.

روزی که پدرم بازنشست شد، من هم به شرکت او رفتم و تازه معنی کار سخت و زیان‌آوری که به خاطر آن، پدرم را ۲۰ ساله بازنشست کردند فهمیدم. داخل شرکت انقدر سروصدا زیاد بود که نمی‌شد دو نفر راحت با

نویسنده مهمان وحید نجفی زمان
کارشناس روانشناسی دانشگاه خوارزمی

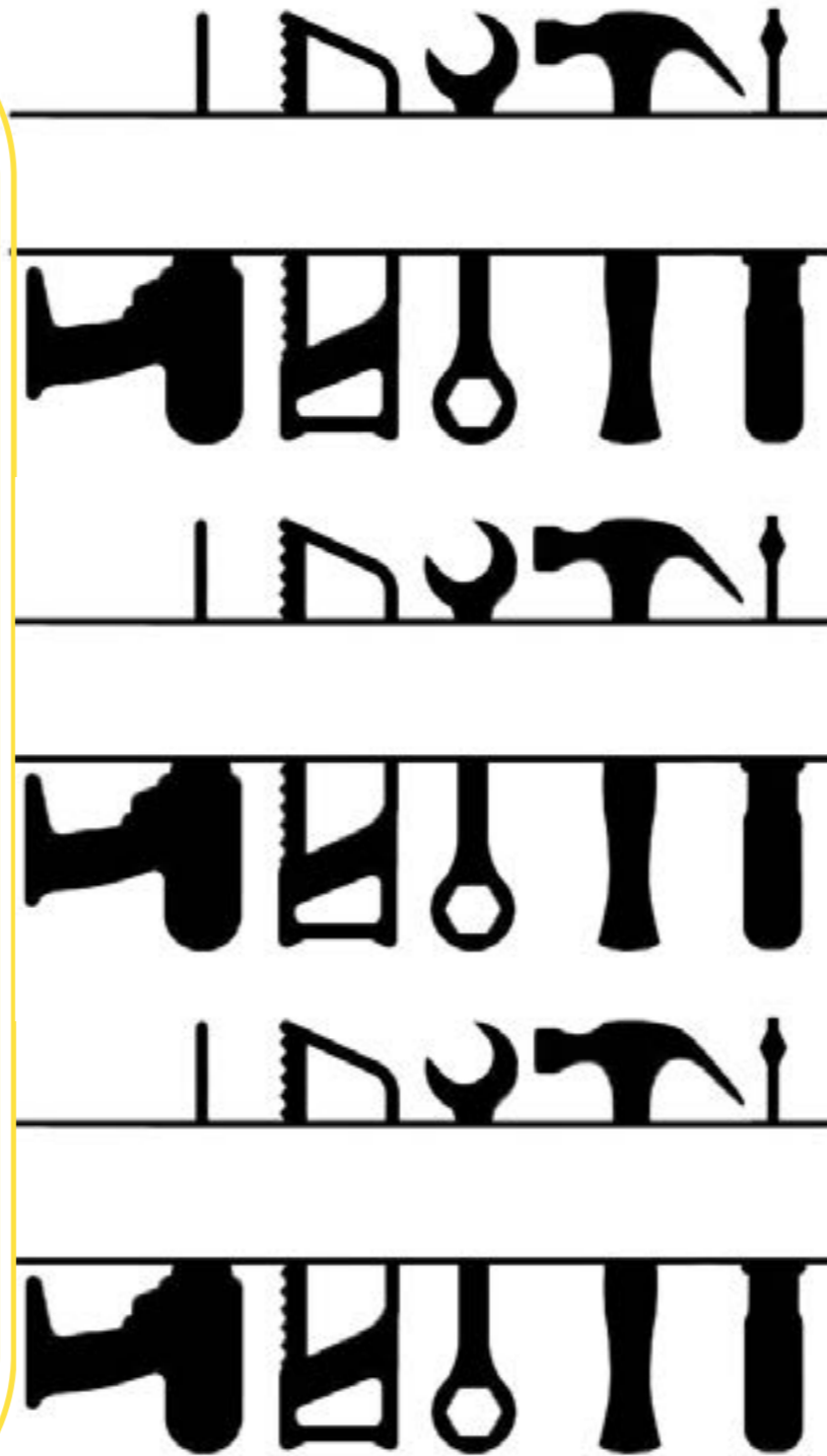
هم حرف بزنند و متأسفانه به دلیل وجود مواد شیمیایی، شرکت مجبور شده بود به دلیل تأثیر بد این مواد، کارکنان آن بخش را زودتر از موعد بازنشست کند.

حقیقتاً من تحمل چند ساعت آنجا ماندن را هم نداشتم و وقتی به این فکر می‌کنم که پدرم بیست سال تمام و خیلی از ساعت‌های عمر خود را، آنجا سپری کرده است، خیلی ناراحت می‌شوم.

یاد دارم که هر وقت اخبار می‌گفت حقوق کارکنان، مثلاً فلان درصد افزایش پیدا کرده ما می‌نشستیم و حقوق پدرمان را حساب می‌کردیم! اما امسال که شنیدم حقوق کارگران خیلی کمتر از تورم افزایش پیدا کرده، خیلی ناراحت شدم. یاد میلیون‌ها کارگری افتادم که مثل پدر خود، قطعاً خانواده‌ای دارند و زندگی برای آنها به سختی می‌گذرد.

تازه! بگویم که شرکت پدر من دولتی بود و وضع حقوق و نوع کار آنها خیلی بهتر از بقیه کارگرها بود. به شخصه احساس می‌کنم ما که ادعای انقلابی‌گری داریم، نتوانستیم در این قضایا صدای کارگرها باشیم و جلوی

ظلم به آنها را بگیریم. ۱۱ اردیبهشت روز کارگر است، روز این قشر زحمتکشی که تأثیر به سزایی در شکل‌گیری انقلاب داشتند، اما متأسفانه این روزها کمترین بهره را از سفره‌ی انقلاب دارند. کاش بتوانیم قدمی برای این قشر زحمتکش جامعه‌ی خود برداریم.



ارادت حقیقی را در میدان عمل بیاب!

مقام کارگر در جامعه‌ی ایران



در ایران در کنار افشار گوناگون، قشری که جامعه‌ی مظلومیت بر تن دارد، کارگر است. جامعه‌ی متکی به پرچم انقلاب اسلامی تا چه اندازه گوش به مراد دل کارگر داده است؟ این قشر تا چه میزان در حرفه‌ی خود به آرامش و امنیت رسیده‌اند؟ وعده‌های داده شده به کارگران به کجا رسید؟

کارگران در جامعه‌ی ایران به عنوان پلی برای پیشرفت و توسعه شناخته می‌شوند. رمز موفقیت یک جامعه در میزان همراهی

قشر کارگر است. کارگر است که از جان و توان خویش مایه می‌گذارد. عمر خود را در این راه صرف می‌کند تا میهن خود را به جلو حرکت دهد. ادای احترام به این قشر صرفاً در بزرگداشت روز ۱۱ اردیبهشت نیست بلکه توجه به معیشت و امنیت شغلی آنان گویای ارادت واقعی به این قشر است.

معیشت و امنیت شغلی کارگران از اصلی‌ترین دغدغه‌های مسئولین است. مسئولین در برابر این قشر تمام قد

می‌ایستند؛ اما وقتی بر کرسی سخنرانی می‌نشینند، وعده‌های رنگین آنان صرفاً در قالب کلمات باقی می‌مانند؛ بی‌آنکه به انجام برسند. به طور معمول برای هر مسئولی، رفاه این قشر بر سایر اهداف ارجحیت دارد. تأمین رفاه کارگران نیازمند همت و تلاش خالصانه‌ی مسئولین دارد. اینکه راهکارهای بهبود وضع معیشت گفته شود و عملی نشود، کارگر جامعه را به معترض تبدیل می‌کند. این صدای اعتراض علیه کمبودها تبدیل به سوژه‌ای به نفع بیگانه می‌شود. به جای میدان دادن به اجنبی، مدیران کارآمد فرماندهی میدان را در دست بگیرند. اگر خانواده‌ی یک کارگر در رنج است، از دستمزدهای پایین آه در سینه دارد، از ناهمخوانی دستمزدها با قیمت کالاها و اجاره‌ها غمزده است به خاطر عدم مدیریت کارآمد مدیران است. آقای مدیر انقلابی! اگر اذعان می‌کنی قشر زحمت‌کش کارگر برای شما مهم است، پس دست بجنبان!

خانه کارگر طرحی است که سالیان متمادی مدعی حمایت از قشر کارگر است. یک تشکل صنفی غیر دولتی که مانع شنیده شدن فریاد قشر کارگر است. کارگران زندانی، زنان کارگر، کودکان کار و دستفروش‌ها در دایره‌ی حمایت خانگی کارگر قرار ندارند. ادعایی پوچ از جانب سرمایه‌داران! ناگفته نماند کارت خانگی کارگر مزایایی نیز دارد و در مواقعی یاریگر کارگران بازنشسته نیز بوده است. اگر خانگی کارگر پناهگاه امنی برای کارگران است، نقدها و مطالبه‌های کارگران را نیز بشنود و در پی عمل به خواسته‌ها برآید. اول مه یا ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

رقیه خادم‌نیا کارشناسی علوم تربیتی

است. روز رسیدگی به مطالبه‌ها، روز زدودن غم از دل کارگر، روز حل مشکل حقوق، روز ادای حق کارگر. احترام و بزرگداشت واقعی این است!

خوب است یادآوری شود در جبهه‌های دفاع مقدس در میان هزاران انسان شجاع و جان بر کف، چه بسیار مردانی بودند که لباس بسیج و یا سپاه را بر تن کردند و برای ایران و ایرانی جنگیدند. در فتنه‌ی ۸۸ و اغتشاشات ۹۶ و ۱۴۰۱ قشر کارگر از جمله اقشاری بود که جبهه‌ی مقابل روی صدای اعتصاب و اعتراض آن‌ها علیه جمهوری اسلامی حساب باز کرده بود؛ اما در نهایت بصیرت کارگران نقشه‌های آن‌ها را نقش بر آب کرد. در این سال‌ها گرانی بنزین، تلاطم بازار ارز و قیمت‌های سرسام‌آور مسکن، نتوانستند ذره‌ای از بصیرت و هوشیاری قشر مؤمن و زحمت‌کش کارگر بکاهد.

در دولت سیزدهم که با شعار مردمی بودن روی کار آمد، مصوبه‌ی مزد حاشیه‌ساز شد. این مصوبه اگر به اجرا درآید، خط بطلانی بر وعده‌های مردمی دولت سیزدهم خواهد بود. در این مصوبه به تورم و عدم تطابق آن با حقوق و مزایای کارگران توجهی نشده است. قشر کارگر به دنبال آن است که دیوان عدالت هرچه زودتر رأی به ابطال آن دهد چراکه تغذیه، سلامت و بهداشت، معیشت، زندگی خانوادگی و نیازمندی‌های ۶۵ درصد جمعیت کشور به آن وابسته است.

بوسیدن دست کارگر، با عمل به وعده‌ها، شنیدن دغدغه‌ها و پیگیری مطالبه‌ها و تأمین رفاه و آرامش برای کارگر است. غیر از این باشد صرفاً یک شعار خواهد

عزیزمان خواندند: آیسَ لِلانسانِ إلا ما سَعى. درآمد بایستی ناشی از سعی باشد، ناشی از کار باشد، ناشی از تلاش باشد. باید جامعه را این جورى [بار آورد]؛ این کارِ خیلی سختی است؛ این یعنی چه؟ یعنی [روش کسب] خیلی از این پول‌های بادآورده و ثروت‌های بادآورده غلط است. ما باید فرهنگ ثروت بادآورده را در کشور متوقف کنیم. عرض کردم، این کارِ بلندمدت و مشکلی است اما باید بشود. خیلی از این واسطه‌گری‌ها، خیلی از این سوداگری‌ها، خیلی از این دلال‌بازی‌ها، این رشوه دادن و رشوه گرفتن‌ها در بعضی از جاها، این رباخواری‌ها در بعضی از بخش‌های اقتصادی کشور، این ویژه‌خواری‌ها، که ارتباط با فلان کس موجب بشود یک درآمد آسان بی‌دردسری بدون کاری گیر آدم [بیاید]، همه‌ی این‌ها برای جامعه مضر است.

اگر با فساد مبارزه کردیم، در این فرهنگ پیشروی خواهیم کرد. مسئله‌ی مبارزه‌ی با فساد، فساد چیست؟ فساد، رشوه است، فساد ویژه‌خواری است، فساد ربا است؛ اینها فساد است دیگر، مفاسد است. اگر با این‌ها هر گامی که در راه مبارزه‌ی با فساد انجام بگیرد، یک گام واقعی در راه پیشرفت در این فرهنگی است که

عرض کردیم. من عرض می‌کنم که اگر یک مسئولی جرئت مقابله‌ی با مفسد داخلی را نداشته باشد، به طریق اولی جرئت مبارزه‌ی با زورگوی خارجی را نخواهد داشت. [مثلاً] فلان کس از تجارت انحصاری سوء استفاده می‌کند؛ خوب باید جلوی



را گرفت؛ سخت است. فلان کس از اعتبارات بانکی سوء استفاده می‌کند؛ فلان کس بدهکاری‌های بانکی‌اش را نمی‌دهد؛ خوب باید مقابله کرد. اینجا اگر شما نتوانید مقابله کنید، آنجایی که یک دولت زورگویی مثل آمریکا یا دیگری پیشان را در یک کفش می‌کنند که باید در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای این جورى بکنید، این جورى نکنید، نمی‌توانید مقابله کنید. وقتی اینجا شما قدرت مبارزه ندارید، آنجا هم قدرت مبارزه ندارید. این [جور] است. یکی از نکاتی که همه باید بدانند، هم مسئولین دولتی بدانند، هم آن کارآفرین و سرمایه‌گذار که خیلی از کارها وابسته‌ی به

هیچ چیزی نیست. غذایی که می‌خوریم، لباسی که می‌پوشیم، امکاناتی که از آن در زندگی استفاده می‌کنیم که حیات ما وابسته‌ی به آنها است، همه‌ی این‌ها ناشی از کار است. کار را چه کسی می‌کند؟ کارگر. پس ارزش کارگر چیست؟ ارزش کارگر، ارزش حیات جامعه است، ارزش زندگی مردم است؛ این را همه بدانند، این را همه بفهمند. خود کارگرها هم به این نکته توجه کنند؛ قدر خودتان را بدانید. اگر در جامعه کار وجود نداشته باشد، همه‌ی این سرمایه‌های ملی را کد می‌ماند. خوب ما معدن داریم، امکانات داریم، خاک داریم، آب داریم، اگر کار بود، همه‌ی اینها منشأ برکت خواهد شد؛ معدن استخراج می‌شود، آب و خاک استفاده می‌شود، زندگی می‌چرخد. اگر کار نبود، این استعدادها همه مرده و خفته خواهد ماند؛ پس کار ظرفیت‌ها را شکوفا می‌کند؛ این اهمیت کار است. وقتی هم که اهمیت کار را فهمیدیم، آن وقت معلوم می‌شود که کارگر چه اهمیتی دارد؛ این یک مطلب [باید] در درجه‌ی اول ما این شناخت را از خودمان، از موضوع کارگر، از مجموعه‌ی کارگری داشته باشیم.

تولید کار از جنبه‌های مختلف مهم است؛ اولاً، کشور به کار احتیاج

دارد، جامعه به کار احتیاج دارد و همین‌طور که گفتیم [اگر] کار نباشد زندگی نیست؛ ثانیاً، فرد کارگر به کار احتیاج دارد برای خاطر اینکه زندگی‌اش را اداره کند؛ ثالثاً، فرد کارگر یک احتیاج معنوی، یک احتیاج

روحی به کار دارد؛ خدای متعال انسان را این جور آفریده که بیکاری او را کسل می‌کند، کار او را بر سر نشاط می‌آورد؛ پس احتیاج به کار فقط برای خاطر گذران زندگی نیست؛ از لحاظ معنوی هم ما به کار احتیاج داریم؛ فرد به کار احتیاج دارد. رابعاً، کار مانع فساد می‌شود. بیکاری منشأ فساد است. خیلی از این فسادها بر اثر بیکاری است.

یک مطلب دیگری که در باب کار می‌خواهم عرض بکنم، این است که ما احتیاج داریم که یک رابطه‌ی مستقیمی بین درآمد و کار وجود داشته باشد؛ یعنی [مطابق] این آیه‌ای که این قاری

وَاللَّيْسُ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا سَعْيُهُ

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست



ارزش حیات جامعه

مشروح سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگران (۱۴۰۲)

نرگس علینقیان
کارشناسی جامعه‌شناسی

یکی کارها که نمی‌رود، [بلکه به او] گزارش می‌دهند. دقت کنید آمارها دقیق باشد. اگر این کارهایی که ایشان می‌گویند انجام گرفته، انجام گرفته باشد، گام‌های بلندی برداشته شده و واقعاً مغتنم است. کاری کنید که این خیل عظیم کارگری کشور، این برادران عزیز، خواهران عزیز، دلشان گرم بشود. و اما آنچه بنده آماده کرده‌ام که عرض بکنم. این جلسه که هر سال تشکیل می‌شود، اولاً برای این است که ارزش کارگر در جامعه با صدای بلند گفته بشود؛ آن چیزی که ما دلمان می‌خواهد این است؛ ارزش کارگر [معلوم بشود]. قدر این جامعه دانسته بشود. من اصرار دارم که این اتفاق بیفتد. دوّم، تذکراتی هم به ذهن ما می‌رسد که می‌خواهیم هم به مسئولین بگوییم، هم به خود کارگران عزیز بگوییم تا بتوانیم جامعه‌ی کارگری را پیش ببریم ان شاء الله.

اولاً، اهمیت کارگر را از کجا بفهمیم؟ از اهمیت کار. کار چه اهمیتی در جامعه دارد؟ از اهمیت کار می‌شود اهمیت کارگر را فهمید. کار، حیات جامعه است؛ کار، ستون فقرات زندگی مردم است؛ کار نباشد

جامعه‌ی کارگری اگر پیش برود، مسائل آن حل بشود، ارتقاء عملی و فکری و کاری پیدا بکند، قطعاً چشم کشور روشن خواهد شد، چشم ملت روشن خواهد شد. بیانات وزیر محترم بیانات مهمی بود (بیانات آقای سیدصورت مرتضوی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی). در آن بخشی که گفتند انجام گرفته، نکته‌های مهمی وجود داشت؛ من با دقت گوش کردم. چیزی که من می‌خواهم از آقای مرتضوی درخواست کنم — چون ایشان سابقه‌ی کاری خوبی دارند، جاهایی که قبلاً ایشان دقت کنند، بخصوص بعضی از بخش‌های مهم مثل مسئله‌ی ایجاد اشتغال. در دولت‌های مختلف کارهایی می‌شد، آمارهایی می‌دادند، بعد انسان دقت که می‌کرد، در آن مسامحه مشاهده می‌کرد؛ سعی کنند این جور نشود و نباشد؛ مثل مسئله‌ی بیمه، مسئله‌ی اشتغال، مسئله‌ی مسکن؛ این چیزهایی که ایشان ذکر کردند که اینها واقعاً مهم است، خیلی هم مهم است. مراقب باشند آمارها دقیق باشد؛ چون خود مسئول، خود وزیر، بالاسر



نسبت سهم او از درآمد هم بالا می‌رود. خب، حالا این معنایش این نیست که ما بخواهیم در مقابل سرمایه‌گذار و مانند اینها جبهه درست کنیم؛ نه، من به هیچ وجه این را توصیه نمی‌کنم. سرمایه‌گذار و کارآفرین و کارگر، لازم و ملزوم هم هستند؛ این نباشد، کاری از او برمی‌آید؛ او نباشد، از این کاری برمی‌آید؛ هر دو به هم احتیاج دارند. آن چیزی که می‌تواند این سهم عادلانه را تأمین کند، وجود انصاف است؛ فضای انصاف؛ برخلاف آن چیزی که کمونیست‌ها شعارش را میدادند، عمل هم نمی‌کردند؛ دروغ می‌گفتند. آنها فضای جنگ و فضای تضاد و مانند اینها را ترویج میکردند؛ در عمل معلوم شد که اشتباه می‌کنند؛ خطای بزرگی بود، کاری هم از پیش نبردند، عملاً هم پایبند نبودند. فضای انصاف، فضای همراهی، فضای همدلی، فضای ناظر دانستن خدا بایستی حاکم باشد تا بتوانند [موفق باشند]. البته در مواردی ابزار سرمایه در یک طرف، موجب تضییع حق کارگر در یک طرف دیگر می‌شود؛ جلوی این باید گرفته بشود. آن طرف هم یک محدودیتهایی ممکن است برای او وجود داشته باشد؛ آن هم بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

یک نکته‌ی دیگر این است که من از این مطلبی که گفتم، نتیجه می‌گیرم که بالا بردن زمینه‌ی ارتقاء توانایی‌های کارگر یک وظیفه است. یک حدیثی داریم که من اینجا یادداشت کرده‌ام؛ [میفرماید:] *مَنْ ظَلَمَ آجِيرًا آجِرُهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ*؛ اگر کسی به یک کارگری ظلم بکند، در مورد اجرت او و دستمزد او ظلم بکند، همه‌ی اعمال خیر او از بین می‌رود، حبط می‌شود — حبط یعنی نابود شدن، از بین رفتن — *وَ حَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ*؛ و خدای متعال بوی بهشت را بر این آدم حرام می‌کند؛ یعنی این جور است. خب حالا این ظلم چیست؟ ظلم این است که فقط دستمزد او را ندهند؟ خب بله، اینکه ظلم بزرگی است اما فقط این نیست؛ بنده احتمال می‌دهم که اقدام نکردن در زمینه‌ی همین مسائلی مثل بیمه، مثل بهداشت، مثل بالا بردن مهارت، مثل آموزش، میدان ندادن ابتکار عمل، این‌ها هم ظلم است؛ یعنی اگر چنانچه می‌خواهید به کارگر ظلم نشود، بایستی وسایل و زمینه‌ی ارتقاء مهارت او را فراهم کنید؛ مسئله‌ی بیمه را تأمین کنید، مسئله‌ی بهداشت را، مسئله‌ی سلامت خانوادگی را، مسئله‌ی امنیت شغلی را تأمین کنید؛ یعنی نبود این‌ها هم در واقع ظلم است.

جامعه‌ی کارگری ما تا امروز یک جامعه‌ی وفادار به انقلاب و وفادار به نظام بوده. ببینید، خود این چهارده هزار شهید در واقع چهارده هزار پرچم افتخار است در دست کارگران. این‌هایی که شهید شدند — حالا بنده چون زندگینامه‌ی شهدا را می‌خوانم [میدانم] — بعضی از این‌ها کارگر بودند، عائله‌مند هم بودند، دو تا، سه تا، چهار تا بچه هم داشتند، اما احساس تکلیف کردند؛ دیدند دشمن به کشور و به انقلاب و به نظام تهاجم کرده، احساس

موجودی او و امکانات او است،

همه بدانند که اگر تلاش شد تا

زندگی کارگر ارتقاء پیدا بکند، وضع کشور ارتقاء پیدا خواهد کرد. کارگر وقتی دغدغه نداشته باشد، امنیت شغلی داشته باشد، رفاه داشته باشد، زندگی‌اش راحت بچرخد، کیفیت کار بالا خواهد رفت، کیفیت محصول بالا خواهد رفت. یکی از مشکلات ما در تجارت‌های جهانی و حتی تجارت داخلی کیفیت محصول است. اگر چنانچه کارگر دلش گرم باشد و بداند که زندگی‌اش راحت می‌چرخد، بداند که امنیت شغلی دارد، اطمینان خاطر داشته باشد، کارش بهتر خواهد شد، کیفیت کار بالا خواهد رفت، ارتقاء پیدا می‌کند؛ این را همه باید بدانند. بنابراین هر تلاشی برای ارتقاء زندگی کارگر انجام بگیرد، این در واقع تلاش برای بهبود کار است، تلاش برای بهبود محصول کار است، تلاش برای بهبود کشور است.

یک نکته‌ی دیگر سهم‌بری عادلانه از درآمد کار است که ما در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی راجع به این، یک بندی آوردیم و بحث کردیم؛ مدت‌ها قبل، بحث شده. سهم کارگر به عنوان سرمایه‌ی انسانی — که یک منبع انسانی است، سرمایه‌ی انسانی است که بیش از سرمایه‌های مادی تأثیر دارد — در ایجاد ارزش برای محصول کار، باید مورد توجه قرار بگیرد. خب حالا من اینجا یک نکته‌ای را می‌خواهم از این استنتاج کنم و آن، این است که اگر می‌خواهیم سهم کارگر از ایجاد ارزش بالا برود، بایستی برای آموزش و مهارت‌آموزی و تجربه‌آموزی کارگر برنامه‌ریزی کنیم که البته در حرف‌های وزیر محترم هم بود؛ این را خیلی باید جدی گرفت. سهم کارگر ماهر و مجرب و آموزش‌دیده و دارای ابتکار در ایجاد ارزش برای محصول کار، خب خیلی بالاتر می‌رود؛ به همان



تکلیف کردند، اینها را گذاشتند به امید خدا رفتند در میدان جنگ و به شهادت رسیدند.

به نظر من مهم‌ترین نشانه‌ی وفاداری جامعه‌ی کارگری به نظام، رفتار آنها در این چند دهه بوده. در اول انقلاب، تلاش‌های گروهک‌ها بود؛ در داخل کشور، گروهک‌ها تلاش می‌کردند و هدف‌شان این بود که کارگران را بکشانند در خیابان، کارگاه‌ها تعطیل بشود و انقلاب زمین‌گیر بشود؛ کار گروهک‌ها بود. بعد، به تدریج، بحث گروهک‌ها به کنار رفت، عمدتاً بدخواهان خارجی در این قضیه وارد شدند، تا امروز هم ادامه دارد؛ تحریکات کردند، اقدام کردند برای اینکه بتوانند جامعه‌ی کارگری را در مقابل نظام قرار بدهند، با شعارهای سطحی و غیر واقعی. جامعه‌ی کارگری هوشمندی نشان داد، ایستاد؛ این خیلی مهم است. اینکه جامعه‌ی کارگری تحت تأثیر این همه تبلیغات تلویزیونی و رادیویی و فضای مجازی و مانند این‌ها قرار نگیرد، کاری که آنها می‌خواهند انجام ندهد و بداند که چه کار دارد می‌کند، این به نظر من جهاد بزرگ جامعه‌ی کارگری است، این خیلی باارزش است. البته یک اعتراض‌هایی در محیط کارگری وجود داشته، بعضی از این اعتراضات تا آنجایی که حالا بنده خبر دارم، اعتراض‌های به‌جایی بوده؛ اعتراض به تأخیر حقوق، اعتراض به واگذاری غلط. گاهی یک محلی را، یک مجمع مهم کاری را به صورت غلط، به صورت فاسد و مفسد واگذار می‌کنند، کارگر آنجا است، از نزدیک

دارد می‌بیند، معترض است؛ این کمک به دولت است، این کمک به نظام است، این آگاه کردن نظام است. هر جا هم در این چنین موارد، دستگاه‌های مسئول مثل قوه‌ی قضائیه و غیره دنبال قضیه رفتند، دیدند حق با این‌ها است؛ منتها در همین قضایا — بنده در جریان تعدادی از این قضایا از دور و نزدیک قرار داشته‌ام — جامعه‌ی کارگری با دشمن مرزبندی کردند، نگذاشتند از این اعتراض در فلان قضیه و در فلان مجتمع که اعتراض کردند، دشمن استفاده کند؛ [گفتند] به این کار اعتراض داریم، اما از دشمن هم بیزاریم، با نظام هم رفیقیم، همراهیم. حرکت کارگری این است. به هر حال، نگاه بنده به جامعه‌ی کارگری از یک سو نگاه تحسین و تکریم است — برای شما واقعاً به معنای واقعی کلمه در دل احترام قائلیم و کرامت قائلیم — از یک سو معتقدیم که بایستی در سطح زندگی کارگری در کشور یک حرکت محسوسی اتفاق بیفتد، ان‌شاءالله ارتقائی به وجود بیاید با تلاش‌هایی که می‌کنند، و از طرفی هم جامعه‌ی کارگری را به خاطر ایستادگی‌اش در مقابل دشمن و تسلیم نشدنش در مقابل تحریکات دشمن از ته دل تحسین می‌کنیم و برای شما امید و آرزوی خیر و برکت داریم. خداوند متعال ان‌شاءالله شما را محفوظ بدارد، باقی بدارد و قلب مقدس ولی‌عصر را و روح مطهر امام را از همه‌ی شما راضی بدارد.

والسّلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته



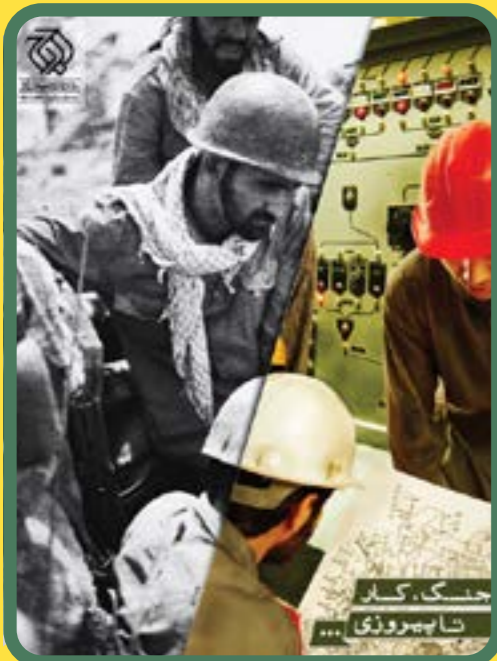
شهید کارگر

فاطمه خلیلی یگانه
کارشناسی تاریخ

گریزی بر جایگاه و کرامت کارگر در اسلام


همواره با مطالعه اسلام، با مفاهیمی چون سختکوشی و اجر فراوان برای تلاشی که ختم به کسب روزی حلال می‌شود، مواجه می‌شویم. وجود احادیثی در همین باب، اهمیت جایگاه کارگر را اثبات می‌کند. واهمه‌ای نیست اگر بگوییم اسلام کرامتی برای کارگر قائل است که اجرای درست و اصولی آن، دیگر به کمتر کارفرمایی جرعت حق خوری از کارگران خود را می‌دهد! حدیثی از حضرت رسول صلوات الله علیه به گوش همه‌ی ما رسیده است که عبادت و بندگی اگر هفتاد جزء دارد، برترین جزء آن، کسب درآمد از راه حلال است. بالواقع در بیانی کلی و تفسیری سطحی، باید اذعان داشت که اسلام برای دانه‌های عرقی که از پیشانی فرد در حال تلاش برای درآمد از راه حلال می‌چکد، اجر و پاداشی درخور شان او، در این دنیا و آخرت در نظر دارد. فردی که کوشش می‌کند راه درآمد او حلال باشد، یعنی از مفاسد موجود در این راه، دوری می‌کند. چنین فاصله‌ای صرفاً برکت مالی نخواهد داشت، و آثار آن در موارد متعددی حتی تربیت فرزندان تاثیرگذار خواهد بود. اجر اخروی کارگر می‌تواند شهادت باشد. آنچنان که ایران زمین، از چنین قشر باغیرتی کم شهید در راه حق و وطن نداده است! بنا بر سخن رهبر معظم انقلاب، تکریم شهدای کارگر ارزش مضاعف دارد. توجه کنیم به سخن

حضرت آقا آیت الله سید علی خامنه‌ای در مورد این مطلب: ((ضد انقلاب کشور از اول چشمش به کارگرا بود بلکه بتواند جامعه‌ی کارگری را به نحوی علیه جمهوری اسلامی تحریک کند؛ اما کارگران همیشه با بصیرت، همت، تدین و پابندی و تقید به دین، به این حربه دشمنان انقلاب جواد رد دادند)). مذاقه در این فرمایش، به وضوح نشان می‌دهد که در جریان هشت سال دفاع مقدس، طبقه کارگر در کنار دیگر طبقات چون دکترا، مهندسا، هنرمندا، رانندگان، معلم‌ها و... با روحیه‌ی جهادی خود، حضور موثر داشتند. تاریخ ایران زمین همواره در دل خود مردان و زنان کارگری را داشته است که با پشتکار، ایمان، برای آبادانی، پیشرفت، خودکفایی و استقلال وطن، از خودگذشته و در بخش‌های مختلف، نقش آفرینی کردند. هرچند که اکثر آن‌ها، گمنام و بی‌توقع، سر بلند ادامه می‌دهند. شهدای کارگر در دو جبهه‌ی دفاع از وطن پشت سنگرهای خاکی، و تلاش برای حفظ فعالیت‌های جهادی پشت سنگرهای تولیدی و خدمات، مشغول بودند. امروزه نیز به همین منوال است و مردان و زنانی که به شغل شریف کارگری مشغول هستند، باهدف کسب روزی حلال در خط حضرت آقا خامنه‌ای، جهت استقلال و خودکفایی هرچه بیشتر سخت، کوشش می‌کنند.



این
راه
ادامه
دارد!





«اگر زندگی کارگر ارتقا پیدا کند وضع کشور ارتقا می یابد. ارزش کارگر ارزش حیات جامعه است. ارزش زندگی مردم است.»
- رهبرانقلاب -